

تاریخ فقه جعفری

ملا عباسعلی کیوان قزوینی

چون مهنامه وزین وحید بهمت والای فرزانه پاکنهاد آقای وحیدنیا در طی سالهای اخیر با کوششی خستگی ناپذیر در طبع و نشر مطالب ارزنده تاریخی اقدامات مجدانه معمول داشته و گوشه‌هایی از تاریخ کشور و شئون اجتماعی ایران را مکتشف ساخته و برقع از خبایا- بیکسو افکنده‌اند لذا به تاسی از این رویه مرضیه رساله‌ای کوتاه و جامع و مفید در تاریخ فقه جعفری اثر خامه توانای مولا و خداوند گرام (کیوان قزوینی) که وسیله دوست دانشمند آقای احمد قاسم زاده بدست آمده و از دست تطاول زمان حفظ گردیده و تا کنون بحلیه طبع در- نیامده است از نظر تیزبین خوانندگان پرمایه مهنامه وحید میگذراند امید است که توفیق رفیق گشته و در آتیه فرصت طبع آثار جاودانی و محققانه خطی مولا یم را بنظر صاحب‌دلان برساند.

نورالدین مدرسی چهاردهی

وبعد بیاری ایزد لم یزل گوید بنده پر زلال، گمشده بیابان خطا و خطل، غرق شده خلیج علل، معیوب عیوب، نفسانی مغلوب حزب شیطانی، قرین نعمای ربانی مقعد از سلوک امتنایی بازار زده خود پسندی، آزار خورده هرگز ندی، جامانده کاروان علم و عمل، ناخوانده قسمتهای صبح ازل، تهی دست پر تمنا، قاصر کوه قدم از کبیه منی، گرسنه چشم تازه دیده، نوکیسه فقر کشیده بلجیه زیانکاری غریب متمسک بسرمایه توفیق فقیر فیض ربانی عباس بن اسمعیل بن علی بن معصوم القزوینی عفی الله عن جرائمهم که این کلمات کنز را بعست از کنوز الفرائد.

بسم الله الرحمن الرحیم در بیان وجوب تعلم فقه بر هر مسلم علم و دانش شخص آدمی را زیبا تر کمالست و چون کمال آدمی بر دو گونه است لازم و مستحسن علوم نیز نسبت باشخاص مختلف است پس بعض علوم نسبت به بعض اشخاص از کمالات لازم است یعنی اگر آن علم در آن شخص نباشد ناقص و سزاوار ملامتست چون علم معاشرت و آداب برای عموم مردم و دانستن نکات صنایع برای کسبه و ارباب حرف و علم حساب و جغرافیا برای شخص مهندس و دوآشناسی برای طبیب معالج و هکذا و از این قبیل است علم فقه برای شخص مسلم که هر یک از هفتاد و سه فرقه مسلمین باید فقه مذنب خود را بداند والا ناقص و مورد ملامتست پس شیعه اثنی عشری اگر فقه طریقه خود را نداند ناقص و ملوم است عقلا و شرعاً و دولتاً و مکتناً و اگر فقه سایر طریقه‌ها را نداند نقص او نیست چنانکه مسلم اگر فقه یهودی و نصاری را نداند نقص او نیست بل از کمالات مستحسنه است دانستن آنها نه لازمست و چون ایجاد مدرسه مقدسه مشیره که دانشوران شش جهت و هفت اقلیم بدانجا اشاره نمایند بسر انگشت کمال محض تربیت و تکمیل

اشخاص مستعد است برای کفایت اشغال وزارت خارجه و داخله بطور اتم واحسن تامنصِب خدمت دولت و ترویج ملت را شایسته باشند لذا باید متعلمین این مدرسه چنان در فقه اثنا عشری بر حسب اجتماعیات و فتاوی مشهوره بهمت و دقت بکوشند که پس از انقضاء مدت تربیت انشاء الله پسند فقهاء عظام و علماء اعلام که اماناء شرع احمدی و رساء دین محمدی هستند باشند.

آغاز تدوین و ترتیب فقه اثنا عشری

از ابتداء اسلام تا زمان باقرین و صادقین (ع) رسم شیعه نبود تدوین احکام فقهیه و در این مدت سه طبقه از مسامین بودند که اشرف انداز طبقات آینده اول آنها که ادراک صحبت پیغمبر خاتم نموده اند خواه حدیث نقل کرده باشند یا نه و اینها را صحابه نامند. دوم آنها که ادراک فیض صحبت صحابه نمودند نه پیغمبر و اینها را تابعین خوانند خواه زمان پیغمبر را درک کرده باشند چون اویس قرنی که سیدالتابعین مینامند یا نه. سیم آنها که درک صحبت تابعین نمودند نه صحبت پیغمبر و نه صحبت صحابه و اینها را تابعین تابعین گویند از این سه درجه که گذشت سایر مسلمین در شرف مساویند و این مطلب اتفاقی هفتاد و سه فرقه مسلمین اند اما خصوص شیعه يك عنوان اشرفیت دارند و يك عنوان افضلیت پس اشرف آن کسیست که درک حضور بسیاری از آل محمد نموده باشد هر چه بیشتر اشرف تر چون جابر انصاری که هفت نفر از ایشان را خدمت کرده و او واسطه المقدام صاحب النبی و اصحاب الصادقین است و بحسب شرافت کسی از او اشرف نیست و بعد از او ابو حمزه ثمالیست که از زمان سجاد تا زمان کاظم (ع) بود و چهار امام را خدمت کرد و افضل آن کسی است که معرفت بنورانیت در باره پیغمبر و امام پیدا کرده باشد خواه غالباً در حضور ائمه بوده باشد چون مفضل و جابر جعفری که صد و سی هزار حدیث از باقرین (ع) نقل میکنند و هنوز میگوید مولایم باقر (ع) هفتاد هزار حدیث از اسرار بمن فرموده و هیچ يك از آنها را بکسی نگفته ام و خواه آنکه غالباً دور و محروم از حضور باشد چون علی بن یقطین وزیر هرون رشید که دلباخته ترین شیعیانست در نزد محبت کاظم (ع) چنانکه سالی حضرت در موسم حج در عرفات فرمود حاجی کسی نیست مگر من و علی بن یقطین با آنکه علی بصورت در حج نبود بلکه در مسند وزارت نشسته بود چون این حکایت را از علی پرسیدند گفت همان ساعت من چنان بیاد حضرت سرگرم و دلشاد بودم که از خود تهی و از او پر گشتم پس قرب روحانی بعد مکانی را از میان برداشت و خواه آنکه اصلاً ائمه را ملاقات ننموده باشد چون علماء ربانی و فقهاء صمدانی در غیبت کبری که ودائع رحمانی اند در زمره لسانی بالجمله کافه شیعیان بجهت قرب عهد نبوی مستغنی از تدوین مسائل بوده و به تلقی انسانی از یکدیگر اکتفا مینمودند و در آخر زمان باقر (ع) که ضعف پیری بر مزاج دولت بنی امیه و ناتوانی طفولیت بر عنصر دولت بنی عباس مستولی بود بحکم قم فاغنتم الفرصة بین - العدمین آن حضرت لوای شریعت افراشت و تخم محبت اهل بیت در مزارع قلوب کاشت و بنای نشر علوم گذاشت و برای هدایت عباد در اطراف بلاد نواب خاص گماشت که از آن جمله جابر

جمنی بود تا آنکه حضرت صادق (ع) متمکن اریکه عزت گردید و ابو عبدالله مطلق در اخبار اسم آن بزرگوار است چنانکه ابو جعفر مطلق اسم باقر (ع) است بالجمله آن حضرت در مصطبه تعلیم آرمید و در ترویج رسوم احمدی و آثار محمدی کوشید چنانکه چهارصد عالم قابل در مجلس درس آن صدر نشین محفل و علم آدم الا سماء نشسته و کلمات در بار آن سلیل اختیار را می نوشتند تا آنکه چهارصد رساله نوشته شد که آنها را اصول اربعه نامیدند و از آن زمان تا حدود سیصد هجری که تقریباً دو یست باشد شیعیانیکه از حضور ائمه حاضرین دور و یا بواسطه غیبت صغری از امام غائب مهجور بودند بدین چهارصد رساله که هر یک محتوی باری از ابواب فقهیه بود عمل مینمودند و در این مدت از گردش غربال پر آفت آسمان و وزیدن تندباد حوادث جهان گرداند راس و غبار قندان بر رخساره اغلب این رساله ها ریخت و فتنه جهالت شیعیان برانگیخت و نزدیک شد که یکسره علم فقه مفقود و رساله ها نابود شوند تا آنکه در حدود سیصد جلوه گر شد زبده ارباب قلوب ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی بضم کاف عربی چون زبیر که از قرای فشا بویه است در یک فرسخی کنار کرد نزدیک رودخانه کرج و مقبره خودش در بغداد شرقی سمت باب الکوفه در تکیه مولویه است مزاری است معروف حکم به کنند قبر آن دو امام نمود که به بیند ابدان ایشان میان قبر هست یا نه پس وزیرش گفت که شیعه آن اعتقادیکه درباره امام دارند درباره علماء خود نیز دارند و اینک قبر یکی از اقطاب علماء ایشان شیخ کلینی در بغداد است این امتحان در آنجا معمول شود بهتر است پس بامر والی قبر آن زبده ارباب معالی را کردند و بدن آن زنده دل را با کفن صحیح و سالم دیدند و طفل کوچکی با کفن سالم نزد او مدفون بود گویا جسد پسرش بوده پس دوباره قبر را پوشیده و در احترامش کوشیدند و اما کلین بفتح کاف عربی چون امیر پس اواز قرای و رامین است و شیخ کلینی از آنجا نیست گرچه صاحب قاموس شیخ را از آنجا شمرده ولی گویند این مطلب از اشتباهات او بوده و علماء سنت و جماعت شیخ کلینی را مجدد مذهب شیعه در مائه نائله مینامند چنانکه گویند که رسم اقدس الهی آن بود که بفاصله هزار سال تقریباً پیغمبر با اقتداری برانگیزد پس اولاً حضرت آدم دافرستاد و بعد از او بهزار سال محمدص و او همه این هزار سالها تقریبی است نه تحقیقی پس بعضی بیشتر از هزار و بعضی کمتر است و چون نبوت ختم شد بوجود محمدی مقرر رسم الهی آن شد که دهر صدسال تقریباً عالمی با جلال و دانشوری با اقبال دامقننر گرداند که تجدید و تعمیر مذهب نماید پس برای مذهب خود مجددها می شمارند و برای مذهب شیعه در مائه اولی حضرت باقر (ع) و در مائه ثانیه حضرت رضا (ع) و در نائله شیخ کلینی دادند و در رابعه سید مرتضی علم الهدی و او هکذا و حدیثی از ابن عباس نقل میکنند که الدنيا جمعة من جمعات الاخرة یعنی دنیا از هفتدهای آخرت است که دوره نبوت هر پیغمبری روزی شمرده شده ولی روز آخراً طول ایام بلکه بیشتر از تمام آنشش روزشاید باشد و علماء شیعه نیز ابن مطلب را پسندیده تلقی بقبول نموده اند از مجددمائه یازدهم حضرت

آیه‌الله فی الارضیین و حجة‌الله علی العالمین علامه مجلسی راشمرده اند و مجدد مائه دوازدهم آقای آقا باقر بهبهانی را و مجدد مائه سیزدهم مرحوم شیخ جعفر تسری را و امید است انشاء‌الله که مجدد مائه چهاردهم خود امام غائب صاحب الامر علیه السلام باشد مجعلا شیخ کلینی با کمال دقت در بیست سال آنچه توانست از آن چهارصد اصل جمع نموده و تبویب کرده در پنج مجلد یکی در اصول دین و سه در فروع دین و یکی در مواعظ و هر یک را در چند کتاب و چندین باب ترتیب داد و او را کافی نام نهاد و بعضی گویند که این کتاب بتوسط سفراء اطیاب بحضور امام غایب (ع) رسیده و آن حضرت این نام را نهاد و فرموده‌ها کافر شیقنا و جمله اخبار کافی ۱۶۱۹۹ حدیثست و جمله کتبش سی و دو کتابست و بعد از کلینی شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی مدفون در ری آنچه بدقت و صحت پیدا کرد در آورده و او کتاب من لایحضره الفقیه نام کرد و جمله اخبار او ۵۹۶۳ حدیثست و ملتزم شد که روز قیامت در حضرت رسالت از عهده صحت احادیث این کتاب بر آید لذا همین يك کتاب از کتب آن جناب در حساب آمد و گر نه مؤلفات آن سر حلقه ثقات قریب بدویست مجلد است و بعد از صدوق بفاصله چند سال شیخ الطائفه محمد بن حسن الطوسی آمده که تصحیح و تنقیح نموده از چهار صد ساله در دو کتاب درج فرمود یکی تهذیب که جمله اخبارش اگر بیشتر از اخبار کافی نباشد کمتر نیست و دیگری استبصار که ۵۵۱۱ حدیث دارد پس رجوع و اعتماد خواص و عوام شیعه خصوص فقها و ائمه شریعت از آن زمان الی یومنا هذا در مدارك مسائل شرعیه بر این چهار کتاب است از سه محمد نام که محمد بن ثلث اوائل می‌نهند و هر سه مکنی بایی جعفر بودند و مجموع اخبار این چهار که ۴۲۷۷۴ حدیثست تماما معتبر بلکه به اعتقاد اخباریین قطعی الصدور است لذا توان گفت که این چهار کتاب میان علماء اطیاب بمنزله چهار کتاب توریة و زبور و انجیل و قرآن آسمانیست میان انبیاء عظام و دیگر کسی بسان این سه بزرگوار در احیاء اخبار ائمه اطهار بذل جد و جهد مجد ننمود مگر محمد بن ثلث او آخر علامه مجلسی محمد باقر بن محمد تقی بن مجلسی الاسهبانی صاحب بحار الانوار در ۲۴ مجلد و حیات القلوب فارسی که میخواست بر ترتیب بحار فارسی بنویسد و دو جلد و نیم نوشت و عمرش و فائتمود و دیگر محمد بن حسن بن علی بن محمد مشهور بشیخ حر عاملی قدس سره و صاحب وسائل الشیعه در سه جلد و دیگر محمد بن مرتضی معروف بمحسن مشهور بفیض کاشانی رحمه‌الله صاحب وافی در چهارده جلد که دارای جمیع چهار کتاب است با شرح مفصله معنویه و لطائف غیبیه و آنچه مناسب آنهاست از اخبار دیگر غیر چهار کتاب لکن بعنوان شرح و بیان و هم این فیض مرحوم زیاده از دویست جلد در معقول و منقول نوشته که چندین کرواست میشود و هم‌را بدست خود نوشته بعد رساله در اسامی این کتابها و عدد ابیات آنها خودش نوشته طاب ثراه.

در تقسیم فقه سه قسم

بدانکه تمام فقه را سه قسم مقسوم ساخته اند عبادات و عادات و معاملات چونکه فقه علم باحکام افعال قلبیه مکلفین است یعنی کارهای بدنی آدمی و اما احکام کارهای قلبی و صفات باطنی

پس علم آنها را طریقت و اخلاق نامند و فقه را شریعت خوانند که متعلق بافعال بدنست و بس و اگر بندرت از افعال قلبیه بحث نماید مستطرد خواهد بود چون مسئله نیت و افعال بدنیه یا کارهایست که باقتضاء طبیعت و عادت از بدن صادر میشود و حکم شرعی این کارها بیان میشود در کتاب اطعمه و اشربه و سید و ذباجه و سبق و رمایه و یقظه و احیاء اموات و غیرها و اینها را عادات نامند و یا حوادثی است که واقع میشود میان دو نفر که باید کیفیت آن حادثه بحکم و امضاء شرع واقع شود چون بیع و وقف و عتق و هبه و وصیت و غیر ذلك و یا آن که بعد از وقوع آن حادثه حکمی و باید از شرع برای طرفین مثل غضب و حدود و ریاست و قصاص وظهار و ایلا و لعان و مواریث و غیر ذلك و اینها را معاملات بمعنی اعم گویند یعنی کاریکه دو نفر در او مدخلیت داشته باشند نه معاملات بمعنی اخض که دادوستد باشد و یا کارهایست که قرار داده شرع است که اگر شرع نبود آن کارها مرسوم نبود و اینها را عبادات نامند و قصد بندگی در حلقه آنها معتبر است یعنی از آن جهت که شارع خواسته بجایا و رده از آن جهت که یاد گرفته پدر و مادر است و نه از آن جهت که ترس تکفیر و ملامت مردم است و نه از آن جهت که بعد از تکرار عادت شده چون نماز اغلب مردم که از روی عادتست نه باحضور قلب و اینگونه عادت را عادت ثابته گویند که از مزاوله و تکرار عادی شده نه آنکه باقتضاء طبیعت و عبادات شش کتابست از کتب فقهیه که مجموعاً پنجاه و دو کتاب باشد و نیز عبادات سه قسم است عبادت بدنیه تنها و او طهارتست و صلوٰه و صوم و مالیه تنها و او زکوة و خمس است که هر دو در یک کتاب ذکر میشود و بدنیه و مالیه هر دو و او حج است و جهاد که هم زحمت بدنیتست و هم محتاج به مخارج است.

کیوان قزوینی

بقیه از صفحه ۴۴۸

اکنون خداوند پدل خویش نگرد و آنچه او را خوشترست میکند و میفرماید. گفت: این احمد مردی است کافی و شغل بزرگ از روی رقوق و کاردانی کرده و خاطر من او را دوست میداشت تا ویرا معزول کرده شده است رنج بیشتر بر خاطر من است، اما این اولیای حشم من دشمن ویند و درین روزگار چون رأی مرا در باب وی بدیده اند از بدی و دشمنی در حق وی آنچه ممکن بود بگردند و هیچ محابا ننمودند، میترسم و می اندیشم که اگر شغل وزارت بدو بازدهم، هر چند که او را زهره نماند که به انتقامی ظاهر مشغول بود اما بر باطن او واقف نتوانم بود. اولیای حشم من از او بترسند و بدین سبب دل همگان بر من ریش شود پس یک تن را آزرده و دل ریش داشتن اولیتر که عالمی را ترسان و بدگمان گردانیدن، به این جهت سلطان نتوانست بار دیگر او را به سمت سابق منصوب نماید و بجای وی حسنک را وزارت داد و وی مردی جوان و بی تجربه بود در آن شغل مهم «مشتی در تاریکی میزد» چنانکه محمود از تفویض آن منصب بدو پشیمان گشت» (۱) احمد بن حسن میمندی دو پسر داشت که عبدالرزاق و علی نام داشتند. عبدالرزاق در زمان محمود مانند پدرش احمد بن حسن محبوس گشت و در دوران حکمرانی مسعود هم زمان با پدرش از بندرهای یافت و در دوران حکومت مود و در بن مسعود پای برمسند وزارت نهاد.